



علم موجود مملو از مبانی فلسفی و اجتماعی غربی است حتی ریاضیات

مدیر گروه فلسفه علم و فناوری پژوهشگاه علوم انسانی، با بیان اینکه علوم موجود مملو از مبانی فلسفی، اجتماعی و فکری غربی است حتی علمی مانند ریاضیات، گفت: علم موجود به تحولات فرهنگ غربی می پردازد.

مدیر گروه فلسفه علم و فناوری پژوهشگاه علوم انسانی، با بیان اینکه علوم موجود مملو از مبانی فلسفی، اجتماعی و فکری غربی است حتی علمی مانند ریاضیات، گفت: علم موجود به تحولات فرهنگ غربی می پردازد.

به گزارش خبرنگار مهر، شانزدهمین نشست عمومی از سلسله نشست‌های پژوهشکده مطالعات فرهنگی با موضوع «مشکله «علم و دین و علم دینی» از کجا ناشی می‌شود؟» با سخنرانی غلامحسین مقدم حیدری، رئیس پژوهشکده غرب شناسی و علم پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عصر روز گذشته دوشنبه ۸ دی ماه در محل پژوهشکده مطالعات فرهنگی روایت برگزار شد.

مباحثی که مقدم حیدری در این نشست مطرح کرد عبارت بودند از: دین از مؤلفه های اصلی فرهنگ سنتی ما و علم تجربی جدید از مؤلفه های اصلی فرهنگ عصر جدید است. از زمان ظهور علم جدید، مسأله «علم و دین» همواره مورد بحث و نقادی بوده است.

این استاد فلسفه علم، با اشاره به علم‌شناسی‌های غیریوزیتیویستی نشان داد که عدم آگاهی ما از چیستی علم و مراحل تحول و تکون آن سبب شده که در مرتبه اعتبار آن دچار اشتباه شویم و برای علم جدید اعتباری خدایی قائل شویم. بدین‌گونه مسأله‌ای با عنوان «مشکل علم و دین» برای خود بوجود آورده‌ایم و سعی می‌کنیم تا آن را حل کنیم. حال آنکه اگر با کمی دقت و ژرف‌اندیشی به آن بنگریم خواهیم دید که علت طرح این مسأله، تصور خام و ناکاویده ما از علم است.

وی در ابتدای سخنانش گفت: موضوع این است که اصلاً مسأله علم دینی دارد درست مطرح می شود یا نه؟ نمی خواهم در این جلسه راه حل ارائه دهم. همه دنبال راه حل هستند که ببینند راه حل چیست اما من می خواهم ببینم گذاشتن علم و دین کنار هم یا ساختن واژه ای بنام علم دینی یعنی چه؟ چرا دارد این امر رخ می دهد؟

وی با اشاره به اینکه از موقعی که با غرب تعامل داشتیم، چهار واکنش با علم و تکنولوژی غربی داشتیم، گفت: ابتدا تعامل ما تعامل تکنولوژیک بود. یعنی تکنولوژی آنها برای ما جذاب بوده است و هم اکنون هم این گونه است. علم به تبع تکنولوژی غربی وارد کشور ما می شود.

وی افزود: یک سری از افراد معتقد بودند که دین را کنار بگذاریم و هر چه از علم و تکنولوژی غربی به دست ما می رسد. یک عده ای تعامل بین این دو را ایجاد کردند. دو گونه تعامل ایجاد شد: عده ای مانند مدارس مذهبی ایران بودند که یک عده دانش آموزان را تربیت می کردند تا هم مهندس و دکتر شوند و هم دیندار باشند یعنی نماز و روزه بگیرند. تعامل دیگر این بود که برداشتهای دینی از دین ارائه می کردند یا یک سری تبیینهایی از احکام ارائه کنند مثل کارهایی که مرحوم مهندس بازرگان انجام داد. کارهایی که معمولاً در ماه رمضان انجام می شود و در مورد فواید روانشناسی و پزشکی روزه داری صحبت می کنند. رویکرد دیگر این بود که کاملاً علم و تکنولوژی را نهی و طرد می کنند. معتقدان به این رویکرد هم در زمان گذشته خصوصاً در دوران مشروطه بودند و هم در دوران کنونی هستند اما در اقلیت هستند و چندان بارز نیستند.

مقدم حیدری با اشاره به اینکه با رویکرد چهارم کاری نداریم، اظهارداشت: اما در مورد سه رویکرد اول می توان گفت: همه سه رویکرد اول یک فرض مشترک دارند و آن این است که علم مستحکم، متقن است و باید دین را مطابق علم در بیاوریم. همه این رویکردها کاملاً به این فرض معتقد هستند. حتی رویکرد اول معتقد است که دین را باید کنار بگذاریم. دو رویکرد دوم که تعاملی هستند می گویند نمی توان به علم دست زد. (البته باید بگویم منظور من از علم همان علوم تجربی است).

این محقق و استاد دانشگاه تصریح کرد: حال سؤال من این است چرا علم استحکام دارد و یقینی است؟ آیا اصلاً علم این گونه هست که این فرض را بگذاریم؟ وقتی قرآن با نظریه داروین هماهنگی ندارد معتقدان به تعامل علم و دین، با سماجت آیه ای را پیدا می کنند و آن را آنقدر بالا و پایین می کنند تا تدریجی بودن را از آن اثبات کنند. چرا اصلاً باید این گونه فکر کنیم؟ مگر نظریه داروین استحکام دارد؟ اگر نظریات علمی یقینی هستند یقینی بودن آنها کجاست؟

وی تأکید کرد: نسخه های مختلفی از نظریات علمی در این مورد وجود دارد. پس چگونه می توان یقینی بودن علم را مسلم دانست؟ اگر براساس مشاهدات علم یقینی است، که نظریه های مختلفی وجود دارد که مشاهدات را زیر سؤال می برد. اگر به روش است، باید مشخص شود روش (استقراء یا ابطال) چیست. در این مورد هم مناقشات زیادی وجود دارد. بنابراین نمی توان به راحتی در این موارد حرف زد.

وی بیان کرد: به نظر می رسد علم، فعالیت بشری است مانند همه فعالیت‌های بشری دیگر. بنا بر مقتضیات روزانه زندگی آدمها این نظریات ارائه شد تا چرخ زندگی بچرخد. این علمی هم که ما داریم، علم فرهنگ غربی است. اصلاً ربطی به ما ندارد. علمی است که آنها بنا به فرهنگ خودشان درست کردند. وقتی آثار فیلسوفها و جامعه شناسان علم غربی را نگاه می کنیم دارند همین را نشان می دهند که اینها مملو از مبانی فلسفی، اجتماعی و فکری غربی هست حتی علمی مانند ریاضیات.

مقدم حیدری با اشاره به اینکه در کتاب جامعه شناسی اثبات ریاضی، قدری این نکته را نشان می دادم. مملو از فرهنگ غربی است، گفت: ما می خواهیم این را به اینجا بیاوریم تا چه استفاده ای از آنها ببریم. تصویری که در مورد علم دینی وجود دارد ناشی از این تصور در علم است که علم درخت تنومندی در نیویورک است که سر به فلک کشیده است اما نیویورک شهر بدی است چون در آن مثلا فساد و فحشا است. اگر فساد را از آن برداریم خوب می شود و یا اگر این درخت را بکنیم و تکان دهیم و به ایران بیاوریم که مسجد داریم و نماز می خوانیم و روزه می گیریم و خانمهای ما با حجاب هستند خوب خواهد بود.

مدیر گروه فلسفه علم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: به نظرم تصور بسیاری از اندیشمندان ایرانی این است در صورتی که علمی که ما داریم کاملا متعلق به بستر غربی است. من نمی فهمم که چه چیز آن را می خواهیم دینی کنیم. موضع من این است که علم، علم است و همه جای عالم یک علم را داریم. موضع من این است که علم موجود به تحولات فرهنگ غربی می پردازد. طی تحولات فرهنگ غربی، علم جدید در رشته ها و شاخه های مختلف به خصوص از قرن شانزدهم، هفدهم به بعد به وجود آمده است. اینها را وارد می کنیم تا چه چیزی را دینی کنیم؟ علوم انسانی به طریق اولی واضح است که بسیار مناقشه دار است. علوم اجتماعی و انسانی که کاملا مربوط به فرهنگ غربی است حتی علوم طبیعی. به نظرم این سؤال، بیخود دارد طرح می شود مسئله اشتباه دارد طرح می شود.

مقدم حیدری با اشاره به اینکه من نمی خواهم راه حل ارائه دهم، اذعان کرد: اما می خواهم بگویم حجم زیادی از دانشجویان گرفتار این معضل علم دینی و علم و دین می شوند و کتابهای زیادی کتاب چاپ می شود. بودجه های زیادی در این راه صرف می شود. برای چی دارند اینها را صرف می کنند؟ مشکل چیست؟ مشکل این است که ما در حالت انفعال در برابر غرب هستیم. آنهایی تکنولوژیهای دارند که با آن بر سر ما می زنند ما هم تنها به این فکر هستیم که چیزی را در مقابل آنها درست کنیم. حال تکنولوژی آنها را بر می داریم چیزی در مقابل آنها درست کنیم اما می بینیم که معضلات فرهنگی برای ما درست می شود. وقتی می خواهیم معایب آنرا کاهش دهیم.

وی در پایان سخنانش گفت: تکنولوژی مملو از فرهنگ غرب است و وقتی وارد می شود تمام مناسبات فرهنگی ما را به هم می ریزد، حتی در تلویزیون صبح تا شب قرآن و معارف اسلامی پخش شود، چون تلویزیون یک فرهنگ خاص دارد مضر است. حداقلش این است که ما را از پرداختن به خودمان وامی گذارد. خود تلویزیون معضل دارد. ربطی به این ندارد که چه چیزی را پخش می کند. من سؤال این است که پیروان علم دینی دنبال چه می گردند؟ با این حجم عظیم تلاش انسانی و بودجه می خواهند چه درست کنند؟ اصلا می دانند چه می خواهند درست کنند؟! کتابهایی که نوشته می شود و من آنها را دیده ام نشان می دهد که نویسندگان آنها اصلا نمی دانند که علم چیست و اصلا با فلسفه علم درگیر نشدند فقط خواندند و کپی پیست کردند.